

تضادهای «سوسیالیسم واقعاً موجود»

رهبر و پیرو

مایکل لبوویتس

مترجمان:

حمیدرضا بهادری - پیام یزدانی



نشر اختران



نشر اختران

فهرست مطالب

۷	مقدمه.....
۱۳	پیش‌گفتار: بال‌های جدید برای پرواز به سوسیالیسم.....
۲۷	درآمد: رهبر و پیرو.....
۳۵	فصل یکم: اقتصاد کمبود.....
۵۹	فصل دوم: قرارداد اجتماعی.....
۸۱	فصل سوم: ماهیت و بازتولید مناسبات پیشگام تولید.....
۱۰۷	فصل چهارم: بازتولید متعارض در «سوسیالیسم واقعاً موجود».....
۱۲۹	فصل پنجم: رهبر و جدال نگرش‌ها در اتحاد شوروی.....
۱۵۹	فصل ششم: از اقتصاد اخلاقی تا اقتصاد سیاسی.....
۱۸۵	فصل هفتم: به‌سوی جامعه‌ی رهبران هم‌دست.....
۲۰۹	فصل هشتم: وداع با مارکسیسم پیشگام.....
۲۲۹	پی‌نوشت‌ها.....

مقدمه

این کتاب به درد کسانی که همه‌ی چیزهای مهم را در مورد «سوسیالیسم واقعاً موجود» می‌دانند نمی‌خورد. نزد آدم‌های خوشبختی که حقایق لایزال در باب این یا آن فرقه‌ی سیاسی چپ را به ارث برده یا پذیرفته‌اند، وظیفه‌ی اصلی دانش‌پژوهی چیزی نیست جز حاشیه‌نگاری‌های تجربی در تأیید ادعای رهبری آنان. در نتیجه، برای این جماعت پرسش اصلی درباره‌ی این کتاب احتمالاً چنین چیزی است: «نویسنده با ماست یا بر ما؟» و خلاصه این که این کتاب به درد نظرکرده‌ها می‌خورد یا نه.

اما من خواندگانی را در نظر می‌گیرم که با پرسش آغاز می‌کنند نه با پاسخ. چه بود این پدیده‌ی مشهور به «سوسیالیسم واقعی» یا «سوسیالیسم واقعاً موجود»؛ این تعبیر که رهبران بعضی کشورها در قرن بیستم ابداع کردند تا تجربه‌ی واقعی خود را از ایده‌های صرفاً نظری سوسیالیستی متمایز کنند؟ ویژگی‌های آن چه بود؟ این نظام چگونه بازتولید می‌شد؟ و چرا سرانجام در برابر سرمایه‌داری و اداد بی‌آن که طبقه‌ی کارگر، که از قرار از آن بهره‌می‌برد، مقاومتی به خرج بدهد؟

قصد من نوشتن این کتاب نبود. در اصل در نظر داشتم در کتابم به نام *بدیل سوسیالیستی: تکامل واقعی انسان* که مانتلی ریویو در ۲۰۱۰ آن را منتشر کرد، چند فصل به «سوسیالیسم واقعاً موجود» اختصاص بدهم. نکته‌ی مورد نظرم این بود که سوسیالیسم، بدیلی است نه فقط برای سرمایه‌داری، بلکه همچنین برای «سوسیالیسم واقعاً موجود». اما پس از نوشتن چند فصل، مخصوصاً بر اساس تجربه‌ی اتحاد شوروی و اروپای شرقی، پی بردم که این بخش بر کل اثر «سایه افکنده» و پرداختن به این موضوع کتاب مستقلی می‌خواهد. پس، چنان که در پیش‌گفتار *بدیل سوسیالیستی*

هم آورده‌ام، تصمیم گرفتم این موضوع به‌اضافه‌ی بحثی درباره‌ی تجربه‌ی یوگسلاوی در مورد خودگردانی بازار را به پروژه‌ی مجزایی تبدیل کنم که اسمش را «مطالعاتی در باب تکوین سوسیالیسم» گذاشته بودم.

اما در تلاش برای استفاده از روش مارکس در بررسی سوسیالیسم واقعاً موجود (که از این پس آن را بدون گیومه می‌آورم) پیوسته غافل‌گیر می‌شدم، زیرا در موضوع مورد بررسی مدام زوایای تازه‌ای آشکار می‌شد که باید مورد تحقیق قرار می‌گرفت، زوایایی که من طی سال‌ها تدریس این موضوع هیچ‌وقت به آن توجه نکرده بودم. در نتیجه حجم کتاب افزایش یافت و تکمیلش از آنچه پیش‌بینی کرده بودم بیشتر طول کشید. و دامنه‌اش هم محدودتر شد. اولین هدف که پرداختن به تجربه‌ی یوگسلاوی بود به پروژه‌ای در آینده موکول شد. اما به این ترتیب مبحث سوسیالیسم واقعاً موجود ناقص می‌ماند.

طرح اولیه‌ی من این بود که سوسیالیسم واقعاً موجود را در مقام نظامی که در دوره‌ی پس از ۱۹۵۰ تثبیت شد تحلیل کنم و در ادامه به تکوین تاریخی آن پردازم. الگوی من در این خصوص رویکرد مارکس به نظام سرمایه‌داری در کتاب سرمایه بود که ماهیت سرمایه‌داری در مقام نظامی موجود («هستی» آن) را آشکار ساخت، و سپس از این تحلیل به صورت راهنمایی عملی برای بررسی تکوین این نظام («شدن» آن) استفاده کرد. به طریق اولی، بخش اول این کتاب ماهیت نظامی را بررسی می‌کند که مناسبات حاکم بر آن را من «مناسبات پیشگام تولید» نامیده‌ام؛ و بخش دوم به برآمد اولیه (یا انباشت اولیه)ی این مناسبات می‌پردازد.

به تبع این رویکرد، پیش‌نویس فصل‌هایی که برای بخش دوم آماده کرده بودم شامل موضوعاتی بود همچون پیدایش حزب پیشگام در اتحاد جماهیر شوروی، «نپ» (خط مشی جدید اقتصادی)، مناسبات اجتماعی در نواحی روستایی و نظریه‌ی «انباشت بدوی سوسیالیستی». فقط مانده بود مبحث دهه‌ی ۱۹۳۰ که باید به آن هم می‌پرداختم؛ اما عجالتاً این مقوله را هم برای کتابی دیگر گذاشتم.

این کتاب، به هیچ وجه بدون پیش فرض نیست. همچنان که از درآمد کتاب هم پیداست، بنای کار من بر این برداشت است که گوهر سوسیالیسم توجه به رشد انسان، یا در واقع توجه به رشد استعدادهای اوست؛ فرایندی که از کردوکار انسان جدایی ناپذیر است. اما موضوع این کتاب آن شیخ کذایی نیست. به گمان من بهترین شیوهی درک سوسیالیسم واقعاً موجود، شروع از نظریه و کاربرد سادهی مفاهیمی که با بررسی سرمایه‌داری حاصل می‌شود نیست؛ بلکه، به شیوهی مارکس، آغاز از واقعیت است، از پدیده‌های عینی این جوامع و تلاش برای درک ساختاری که منجر به پدید آمدن آن‌ها شده است.

تحقیق ما در مورد سوسیالیسم واقعاً موجود با بررسی یک ویژگی همه‌جا حاضر در این نظام آغاز می‌شود: کمبودها. برای درک عواملی که شالوده‌ی «اقتصاد کمبود» را تشکیل می‌دهند، ابتدا بر سر تعبیری می‌رویم که در حکم یک قرارداد مشخص اجتماعی و دربردارندهی مزایای معینی برای طبقه‌ی کارگر است، و سپس به بررسی ماهیت مناسبات پیشگام تولید می‌پردازیم. ولی سوسیالیسم واقعاً موجود فقط در مجموعه‌ای از مناسبات خلاصه نمی‌شد. ما شاهد جدالی درونی میان منطق پیشگام و منطق سرمایه هستیم. افزون بر این، در طبقه‌ی کارگر مجموعه باورهای خاصی را مشاهده می‌کنیم (اقتصاد اخلاقی طبقه‌ی کارگر در سوسیالیسم واقعاً موجود) که نشان‌دهندهی بارقه‌هایی است از منطقی بدیل، از منطق طبقه‌ی کارگر. آیا این منطق را می‌توان در سوسیالیسم واقعاً موجود مبنای اساس قرار داد؟ این پرسشی است که ما اندیشه‌هایی در مورد آن ارائه می‌دهیم، اما پاسخ قطعی خیر.

تأکید من بر حرکت از پدیده‌های عینی به سوی درک این پدیده‌هاست، با این همه کتاب با دو بخش انتزاعی آغاز می‌شود. نخست پیش‌گفتار کتاب است که در آن مفروضاتم را در مورد سرمایه‌داری و مفهوم سوسیالیسم قرن بیست و یکم ارائه می‌دهم. از این حیث، این فصل در حکم پلی است میان مباحث کتاب بدیل سوسیالیستی و این کتاب. دوم